

#### یادداشت

## جهان در آستانه شلیک آخرین تیر روسیه در نبرد با غرب؟

#### مجتبی نیک‌اقبال

کارشناس ارشد روابط بین‌الملل

پس از بحران موشکی کوبا در اکتبر ۱۹۶۲ که خطر تبدیل جنگ سرد به جنگ هسته‌ای را به‌شدت افزایش داده بود، رئیس‌جمهوری روسیه اخیرا نخستین‌بار به‌طور جدی که «آمدگی فنی – نظامی» این کشور برای استفاده از بمب اتمی صحبت کرده است؛ اظهاراتی که با انتقاد سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا مواجه شد. متیو میلر گفت: «این نخستین‌بار نیست که لفاظی غیرمسئولانه ولادیمیر پوتین را می‌بینیم. این روش حرف‌زدن مناسب رهبر یک کشور دارای سلاح هسته‌ای نیست».

پوتین در حالی تهدید هسته‌ای را مطرح کرده که روسیه به رهبری او اکنون وارد سومین سال نبرد نظامی با اوکراین یا به تعبیر بهتر غرب شده است؛ نبردی پیچیده با چشم‌اندازی مبهم که ابتدا در معادلات و تحلیل‌های کارشناسان سیاسی روس، شکست اوکراین در آن فقط دو هفته زمان می‌برد؛ اما خطاهای تحلیلی اتاق فکر سیاست‌مداران و ژنرال‌های روس و بی‌نتیجه‌ماندن راهبردهای نظامی این کشور در جنگ با کی‌یف، ادبیات کرملین را آلوده به مخرب‌ترین و کشنده‌ترین سلاح ساخت دست بشر کرده است. اگرچه غرب می‌داند استفاده از بمب هسته‌ای، گزینه‌ای نیست که قدرت‌های بزرگ بتوانند به‌راحتی سراغش بروند و هر وقت دلشان خواست از آن استفاده کنند، این را هم به‌روشنی می‌دانند که کلید زرادخانه هسته‌ای مسکو در جیب کسی است که حرف اول و آخر را در سیاست خارجی و سیاست نظامی روسیه می‌زند. به‌خصوص اینکه این کشور در شرایط بحرغنی قرار دارد و مایل است با اقدامی راهبردی، سرنوشت جنگ با اوکراین را از ابهام خارج کند. روسیه در نبرد با اوکراین و متحدان غربی‌اش زخم‌های عمیقی خورده و خود را قربانی نظم امنیتی ساخته دست غرب، می‌داند. بی‌تردید گریه‌ای زخمی که در گوشه‌های اکثر افکار و جانش در خطر است، برای راه‌های خود را این وضعیت به آب و آتش خواهد زد؛ بنابراین، بی‌دلیل نیست که آمریکا و متحدان این کشور هرگز سلاح‌هایی را در اختیار کی‌یف قرار نمی‌دهند که این گریه زخمی را عصبانی‌تر کند و ناگهان به سیم آخر بزند؛ از این‌رو حتی غرب هنوز جرئت اعزام نیروهای ناتو برای دفاع از خاک اوکراین را پیدا نکرده است. به نظر می‌رسد سران کشورهای غربی عمیقاً به این باور رسیده‌اند که رهبر ۷۱ساله روسیه به لحاظ شخصیتی و روانی در موقعیتی است که امکان دارد از دایره عرف بین‌المللی خارج شود و دست به کاری بزند که همه شگفت‌زده شوند. شاید استفاده از توان سه‌گانه هسته‌ای (موشک بالستیک قاره‌پیما، موشک بالستیک زیردریایی و بمب‌افکن راهبردی) یکی از اقدام‌های شگفت‌انگیز پوتین باشد. اما آیا واقعاً پوتین سیاست‌مداری است که در آخرین دوره ریاست‌جمهوری خود به حمله اتمی روی بیاورد و جهان را در معرض نابودی قرار دهد؟ برای پاسخ به این پرسش می‌توانیم به «جیمز روزنا» و نظریه «پیوستگی» او در کتاب «آشوب در سیاست جهان» مراجعه کنیم. به نظر روزنا عوامل تأثیرگذار بر تصمیم‌گیری حکومت‌ها در سیاست خارجی به مجموعه‌ای از این عوامل پنج‌گانه مربوط می‌شود: ۱- متغیر شخصیت تصمیم‌گیرنده، ۲- نقش و میزان اختیارات تصمیم‌گیرنده، ۳- متغیر دیوان‌سالاری حکومتی، ۴- متغیر جامعه، ۵- متغیر نظام بین‌الملل. بررسی این عوامل پنج‌گانه در ارتباط با سیاست خارجی روسیه، ذهن را ناخودآگاه به سمت شخصیت پوتین و میزان اختیارات او می‌برد. روزنا در نظریه خود می‌گوید برای درک نقش بازیگران سیاسی باید به تحلیل «پوشش فکری – هیجانی» آنها پرداخت. او برای اثبات گفته خود، یعنی تأثیر قابل‌توجه فرد بر نظام سیاسی داخلی و نظم بین‌المللی، ویستون چرچیل و ولادیمیر لنین را مثال می‌زند که چگونه در وضعیت آشوب‌زده کشور‌هایشان، از استعداد خود برای استفاده از فرصت‌ها بهره بردند اما آیا ولادیمیر پوتین ممکن است برخلاف رهبرانی که از بحران و فجایع جلوگیری کردند، در جهت بدترشدن اوضاع حرکت کند و جنگ با سمت فاجعه‌ای تاریخی سوق دهد؟ روزنا در کتاب خود این پرسش را مطرح کرده است که «آیا یک رهبر می‌تواند سمت و سوی نظام جهانی را تغییر دهد؟». اگر به لابلای دیدگاه‌های پوتین نگاه کنیم، پاسخ مثبت است. او بهمن ۱۳۰۲ با انتقاد از سیاست‌های غرب، گفته بود «نظم نوین جهانی آنها شکست خورده و روز‌هایشان به شماره افتاده است». رهبر کنونی کرملین ۲۱ بهمن ۱۳۸۵ نیز طی سخنرانی تاریخی خود در نشست امنیتی مونیخ، ضمن اعتراض به پیشروی ناتو به سمت شرق، مانیفست سیاست‌های امنیتی مسکو را تشریح و با نظم مستقر جهانی صراحتاً مخالفت کرد؛ اما به گفته جان میرشایمر، استاد روابط بین‌الملل و دیگر تحلیلگران علوم سیاسی، رهبران غربی آن زمان نتوانستند ماهیت این سخنرانی را درک کنند که به منزله «اعلان جنگ علیه غرب» بود. بر کسی پوشیده نیست ولادیمیر پوتین در روسیه تقریباً همه‌کاره است و چه از نظر مؤلفه «شخصیت»، و چه به لحاظ مؤلفه «نقش» و میزان اختیارات، در جایگاهی قرار دارد که باعث می‌شود حتی قدرتمندترین کشور جهان یعنی ایالات متحده آمریکا نیز در مواجهه با او، محافظه‌کاری را در دستور کار خود قرار دهد. ساده‌اندیشی است که گمان کنیم کشوری به بزرگی روسیه که از همه مؤلفه‌های قدرت برخوردار است، از گزینه بمب اتمی ابلی دارد. چه‌بسا تحلیل شخصیتی پوتین در چارچوب نظریه پیوستگی روزنا، این نتیجه را به دست می‌دهد که او با توجه به عوامل ۳ و ۲ در این نظریه، قادر به انجام اقدام‌هایی است که می‌تواند مسیر جهان را به‌طورکلی تغییر دهد.

**کلافکی پوتین درین‌بست اوکراین**

نبرد نظامی روسیه با اوکراین یا به گفته مسکو «عملیات ویژه نظامی» اسفند ۱۴۰۲ وارد سومین سال خود شده است اما تقریباً هیچ تحلیلی‌گری نتوانسته نتیجه این تقابل ویرانگر را پیش‌بینی کند. اوکراین با همه حمایت مالی و تسلیحاتی که از غرب دریافت می‌کند، از بازپس‌گیری جغرافیای اشغال‌شده خود، هرروز ناامیدتر می‌شود و از سوی دیگر، روسیه هم اوضاع بهتری ندارد. ارتش این کشور اگرچه بخش‌هایی از اوکراین را تصرف کرده اما وزارت دفاع بریتانیا می‌گوید آمار تلفات و مجروحان روسیه به ۳۵۵ هزار نفر رسیده است. جنگ شرایطی را به وجود آورده که هر دو طرف در نااطمینانی و ابهام به سر می‌برند، با این تفاوت که غرب گمان می‌کند اگر نبرد را فرسایشی کند، دستور روسیه به مرور تحلیل می‌رود و پوتین از مواضع خود کوتاه خواهد آمد؛ اما مسکو با تحریم‌های اقتصادی کنار آمده و ارتش خود را در جبهه‌های جنگ تقویت کرده است. این به معنای استمرار پیگیری ایده‌های ولادیمیر پوتین در تقابل با اوکراین و به‌طورکلی غرب است.بالبین‌همه، ماجرا از جایی هولناک می‌شود که غرب تصمیم بگیرد برای محافظت از اوکراین یا به‌منظور مقبر-راندن روسیه، به اقدام‌هایی متفاوت از گذشته روی بیاورد. جزئیات یکی از این اقدام‌ها را رئیس‌جمهوری فرانسه به زبان آورده و اخیراً به روزنامه «پاریزن» گفته است که در شرایط خاصی، ممکن است نیاز به انجام «عملیات زمینی از سوی کشورهای غربی» وجود داشته باشد.امانوئل میکرون اعلام کرد «فرانسه، آلمان و لهستان که به مثلث وایمار معروف هستند، در اهداف خود برای جلوگیری از پیروزی روسیه در جنگ اوکراین و حمایت از مردم این کشور، تا پایان متحد می‌مانند». این پیام واضح که به معنی کوتاه‌نیامدن غرب در تقابل با روسیه است، بخشی از مجموعه اقدام‌هایی محسوب می‌شود که حاکم کرملین را به مرور عصبی‌تر و کلافه‌تر خواهد کرد؛ مدیری که ممکن است به استفاده از کلاهک‌های منتهی شود که موجودیت اوکراین را به خطر می‌اندازد. شاید وقت آن رسیده است که غرب راه عقلاانه‌تری را در پیش بگیرد و شرایط را به سمتی هدایت نکند که پوتین مجبور شود آخرین تیر در تپانچه خود را شلیک کند و سرنوشت ساکنان کره زمین را تغییر دهد.

اختلافات اقتصادی میان چین و آلمان، صدراعظم آلمان را راهی پکن کرده است. اولاف شولتس که از روز گذشته سفر سه‌روزه خود به چین را آغاز کرده، امیدوار است که بتواند تا حدی موانع موجود در بازار اقتصادی میان چین، آلمان و آمریکا را برطرف کند. این سفر در شرایطی انجام می‌شود که موانع بسیاری بر سر راه اولاف شولتس قرار دارد. از یک سو شرکت‌های آلمانی از رقابت ناعادلانه شکایت دارند و از سوی دیگر، اتحادیه اروپا از چین به دلیل وجود تولیدات ارزان‌قیمت این کشور در بازارهای اعضای این اتحادیه ناراضی است.

دستکم بیش از یک سال از دامنه اختلافات چین و واشنگتن می‌گذرد. روابط چین با روسیه، تهدیدهای

مداوم چین علیه تایوان، اختلافات مرزی در دریای جنوبی چین و مسائل مرتبط با تجارت منصفانه، روابط پکن با واشنگتن را به سردی سوق داده است؛ اما رؤسای جمهوری دو کشور در پیام‌های تبریک سال نو میلادی به یکدیگر این امیدواری را به وجود آوردند که قرار است مناسبات میان این کشورها رو به بهبودی بگذارد. به گزارش رویترز، اتاق تجارت خارجی آلمان قبل از سفر اولاف شولتس به چین اعلام کرد که در یک نظرسنجی، حدود دوسوم شرکت‌های آلمان، از رقابت ناعدالانه اقتصادی بین دوکشور شکایت داشتند. ماکسیمیلیان پوتک، عضو هیئت اجرایی اتاق بازرگانی آلمان در شرق چین گفت: انتظار این است که صدراعظم شولتس چالش‌های ما را درک کند و تأکید کرد: «روپایی‌ها باید فوراً روشن کنند که چگونه می‌توانند خود را به‌عنوان قطب اقتصادی بین ایالات متحده و چین قرار دهند». پس از حمله روسیه به اوکراین در سال ۲۰۲۲، که وابستگی اروپا به صادرات گاز روسیه را آشکار کرد و به بحران هزینه زندگی دامن زد، دولت اولاف شولتس درباره پیوند آلمان با اقتصاد چین محتاط شده است. میکو هووتاری، رئیس مؤسسه «مریکس» در برلین، سفر اولاف شولتس به چین را به منزله تثبیت روابط دانست و از او خواست که تأکید کند آلمان نقش ویژه‌ای در اتحادیه اروپا دارد و نمی‌خواهد بروکسل در منازعات تجاری اقدام سختی انجام دهد.

براساس گزارش‌های جدید، پروژه بزرگ زیرساختی چین که به نام ابتکار کمربند و جاده ششانه می‌شود، بیش از ۵۰ میلیارد دلار کمبود بودجه دارد و بیش از ۶۰ درصد از پروژه‌های آن در جنوب شرق آسیا ناتمام مانده است. ناظران چینی می‌گویند ابتکار کمربند و جاده که به نام «یک کمربند، یک جاده» نیز خوانده می‌شود، به پرهزینه‌ترین ناکامی ششی چین‌پیک، رهبر چین، تبدیل شده که می‌تواند حزب کمونیست چین را به نابودی بکشاند.

مؤسسه تحقیقاتی لویی در سیدنی در ۲۷ مارس گزارش داد که پروژه‌های بزرگ ابتکار کمربند و جاده متوقف شده‌اند. مجموع هزینه‌ها در جنوب شرق آسیا بین سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۱ به ۲۹.۶

#### سفر صدراعظم آلمان به چین در میان چالش‌های اقتصادی داخلی و خارجی پکن

## پروژه ناتمام چین



میلیارد دلار تنزل پیدا کرد که کمتر از ۸۴.۳ میلیارد دلاری است که پکن وعده داده بود. براساس این گزارش، چین به بزرگ‌ترین تأمین‌کننده مالی زیرساخت جنوب شرق آسیا تبدیل شده است. با این حال اختلاف بسیار زیادی بین وعده‌های پکن و عملکرد این کشور وجود دارد و بالغ بر ۵۰ میلیارد دلار از بودجه این پروژه تأمین نشده است. بیشتر از نصف پروژه‌ها لغو یا کوچک‌تر شدند یا به دلیل عوامل مختلف، ازجمله ماهیت و مقیاس پروژه‌ها، بی‌ثباتی سیاسی، مشارکت ذی‌نفعان محلی و انتقال انرژی جهانی، انجام‌نشدنی هستند. در این گزارش آمده است: «بی‌ثباتی سیاسی اغلب با فساد و حکمرانی ضعیف همراه بوده است».

وانگ هي، مفسر امور چین، معتقد است که ابتکار کمربند و جاده به اشاعه فساد، اقتدارگرایی و تله‌های بدهی رژیم چین دامن زده است. وانگ به ایک تأیید گفت: «در این‌بین، فساد بیش از همه خودنمایی می‌کند؛ هرچند گزارش استرالیا در این زمینه تا حدی مهم است». برای نمونه، وانگ گفت که نجیب زراق، نخست‌وزیر سابق مالزی، به دلیل فساد مربوط به پروژه‌های ابتکار کمربند و جاده به زندان افتاده است. وانگ تأکید کرد که «مشکلات بسیاری درباره دولت‌های دخیل در پروژه‌های ابتکار کمربند و جاده چین وجود دارد؛ اما علت اصلی مشکلات حزب کمونیست چین است» و افزود که «ترکیب این دو منجر به ناکامی پروژه‌های ابتکار کمربند و جاده می‌شود». شی جین‌پینگ، رهبر حزب کمونیست چین، ابتکار کمربند و جاده را در سال ۲۰۱۳ کلید زد که با هدف توسعه زیرساخت‌های بزرگ در آفریقا، اروپا و منطقه هند و اقیانوس آرام، از طریق تأمین مالی درخورتوجه چین و با شعار «آینده مشترک برای بشر» آغاز شد. با این حال طرح توسعه بلندپروازانه شی جین‌پینگ به‌ویژه درباره تله‌های بدهی و مخالفت مردم محلی در کشورهای دخیل در ابتکار کمربند و جاده جنجال‌برانگیز شد. گزارش ای‌دیتا در سپتامبر ۲۰۲۱ نشان می‌دهد که ۴۲ کشور کم‌رآمد و متوسط به اندازه ۱۰ درصد از تولید ناخالص داخلی خود به چین بدهی دارند که از این بین می‌توان

#### حمله گسترده روسیه به شبکه برق اوکراین

## استمداد زلنسکی از غرب

جوخه‌ها و واحدهای نظامی نیروهای مسلح اوکراین با مشکل مواجه شده». از نظر روسیه، حملات هوایمهای بدون سرنشین اوکراین به‌منابه ترویرسم است؛ حال آنکه خود اوکراین معتقد است که حملات پهپادی این کشور به روسیه موجه است؛ چراکه اوکراین درحال‌حاضر برای بقا می‌جنگد و زیرساخت‌های این کشور در اژ حملات هوایی روسیه آسیب دیده است. براساس محاسبات رویترز، حملات پهپادی اوکراین تاکنون باعث شده تا حدود ۱۴ درصد از ظرفیت اولیه پالایش نفت روسیه کاسته شود. زلنسکی روز پنجشنبه به لیتوانی سفر کرده بود تا با چند نفر از رهبران اروپای مرکزی در یک نشست امنیتی گفت‌وگو کند. اوکراین به دلیل مسدودشدن کمک ۶۰ میلیارددلاری آمریکا از سوی جمهوری خواهان کنگره این کشور به‌شدت دچار کمبود تجهیزات دفاعی شده است. در همین حال، سرویس امنیت فدرال روسیه ادعا کرد که اعضای نیروی دریایی ویژه بریتانیا (SBS) در اوکراین فعالیت داشته و به نیروهای اوکراینی در انجام عملیات علیه نیروهای روسی یاری می‌رسانند. این نهاد اطلاعاتی اعلام کرد که نقشه نیروهای ویژه بریتانیا برای پیاده‌کردن سربازان اوکراینی در «آب‌تل تندروف» به منظور انجام عملیات خرابکارانه را ختنی کرده است. به پشت‌های از گل‌ولای و شن و ماسه که در عمق کمی در زیر آب قرار گرفته باشد، آب‌تل می‌گویند. آب‌تل تندروف در دریای سیاه و در جنوب اوکراین واقع شده است. سرویس امنیت فدرال روسیه همچنین ادعا کرده است که یکی از سربازان ارشد نیروی ویژه دریایی اوکراین را دستگیر کرده است و نام و تاریخ تولد او را نیز اعلام کرد. سرویس امنیت فدرال روسیه در این زمینه اضافه می‌کند که یکان نیروهای ویژه اوکراین از سوی یکی از یگان‌های سرویس ویژه دریایی بریتانیا (SBS) نظارت می‌شود و همین امر می‌تواند نشان‌دهنده دخالت مستقیم بریتانیا در این درگیری باشد. سخنگوی وزارت دفاع بریتانیا هنوز در این زمینه واکنشی از خود نشان نداده است.

**برگ سبز خودر و پراید نوک مدادی جی تی ایکس ای مدل ۱۳۸۷ به شماره پلاک ۶۹۶۶۶ ۸۴د شماره موتور ۲۶۶۱۷۸۷ و شماره شاسی ۵۱۴۱۲۲۸۷۸۶۵۷۳۶ به نام هستی جراحی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.**

**برگ سبز و سند کمپانی موتور سیکلت پالس رنگ آبی مدل ۱۳۸۸ به شماره پلاک ایران ۲۸۳۳۷-۱۱۶ و شماره موتور DJGBPK05660 و شماره تنه ۱80A8716728NE0\*\*\* به نام ایمان کثیری قهی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.**

**برگ سبز خودرو کوئیک S رنگ سفید مدل ۱۴۰۲ به شماره پلاک ایران ۶۸- ۹۶۴ ی ۵۲ و شماره موتور M15/5155205 و شماره شاسی NAS861100P1094563 به نام سید خدابخش حسینی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.**

#### گزارش

#### عدم اجماع بر سر «کشور فلسطین»

رئیس دوره‌ای شورای امنیت سازمان ملل گفت اعضای این شورا در نشست غیرععلنی خود درباره عضویت فلسطین در سازمان ملل به تفاهم نرسیده‌اند. فلسطینی‌ها که از سال ۲۰۱۲ به‌عنوان عضو ناظر در سازمان ملل متحد پذیرفته شده‌اند، سال‌ها برای به دست آوردن عضویت کامل که به منزله به رسمیت شناختن کشور فلسطین است، تلاش کرده‌اند.

هر درخواستی برای عضویت در سازمان ملل باید ابتدا به تصویب شورای امنیت برسد؛ جایی که متحد اسرائیل، ایالات متحده، در آن حق وتو دارد. پس از تصویب درخواست عضویت در سازمان ملل متحد در شورای امنیت، مجمع عمومی نیز باید این درخواست را تأیید کند.

فانیسا فرازیر، سفیر کشور مالت که ریاست دوره‌ای شورای امنیت را بر عهده دارد، اعلام کرد: برای عضویت فلسطین در سازمان ملل اجماعی وجود ندارد. فرازیر بدون اشاره به نام کشوری خاص، افزود دوسوم اعضای شورای امنیت با عضویت کامل فلسطین موافقت دارند اما این کمیته نمی‌تواند بدون اجماع تمام اعضا تصمیمی اتخاذ کند. البته این به معنای آن نیست که این پیشنهاد از سوی فلسطین دیگر قابل طرح نباشد؛ چراکه هر یک از کشورهای عضو در شورای امنیت می‌توانند این پیشنهاد را برای تصویب مطرح کنند.



رابرت وود، معاون سفیر آمریکا در سازمان ملل متحد، در این زمینه اعلام کرد: رویکرد ما در این موضوع تغییری نکرده و تأکید داریم هرگونه به رسمیت شناخته‌شدن کشور فلسطین باید در چارچوب توافق با اسرائیل انجام شود و نه توافق با سازمان ملل متحد. او گفت: «آمریکا پایبند به قانون است؛ چراکه قانون تصریح دارد اگر شورای امنیت خارج از توافق دوطرفه با عضویت کشور فلسطین در سازمان ملل متحد موافقت کند، کمک‌های مالی به سازمان را قطع خواهد کرد.» بر اساس اعلام برخی منابع دیپلماتیک، این پیشنهاد می‌تواند در ۱۸ آوریل جاری مجدداً از سوی الجزایر مطرح شده و د شورای امنیت بررسی شود. ریاض منصور، سفیر فلسطین در سازمان ملل متحد نیز اعلام کرد: ما فقط خواستار دستیابی به جایگاه قانونی خود در جامعه بین‌الملل هستیم و امیدواریم با درخواست ما در ۱۸ آوریل موافقت شود.

**آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی**

نظر به دستور مواد ۳ و ۱ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۹/۲۰ و برابر رای ۱۳۹۰/۱۲/۰۲۰۱۳۰۲۵۰۶۲ و ۱۴۰۲/۳/۰۱۰۱۳۰۲۶۰۳۱ مورخ ۱۴۰۲/۱۲/۲۱ هیات قانون تعیین تکلیف موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی چمستان تصرفات مالکانه و بلاعارض متقاضی آقای / خاتم جواد ابراهیمی فرزند یزدان نسبت به ششادگان یک قطعه زمین پلا ۱۱۳۱۱۳۱۱۳ زراعی به مساحت ۲۹۷/۰۰ مترمربع به شماره پلاک ۱۳۶۳ فرعی از اصلی واقع در قریه جویرند بخش ۲ خریداری شده از آقای / خاتم مصطفی و مهدی یوسفی مالک رسمی مجرز گردیده است لذا به موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آیین نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به شماره پلاک ۱۵ روز از طریق این روزنامه و محلی / سراسری در شهر ها منتشر و در روستاها رای هیات الصاق تا در صورتیکه اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی و در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند . معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض میادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موقوف به ارائه حکم قطعی دادگاه است و در صورتی که اعتراض در مهلت ثبتی واصل نگردد یا معترض ، گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل را ارائه نکند اداره ثبت میادرت به صدور سند مالکیت می نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست .

مألف: ۱۶۹۲۴۴۱

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۰۱/۲۵

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۰۲/۰۸

عین اله تیموری – رئیس اداره ثبت اسناد و املاک چمستان ۳۴۵